

پرورش خلاقیت

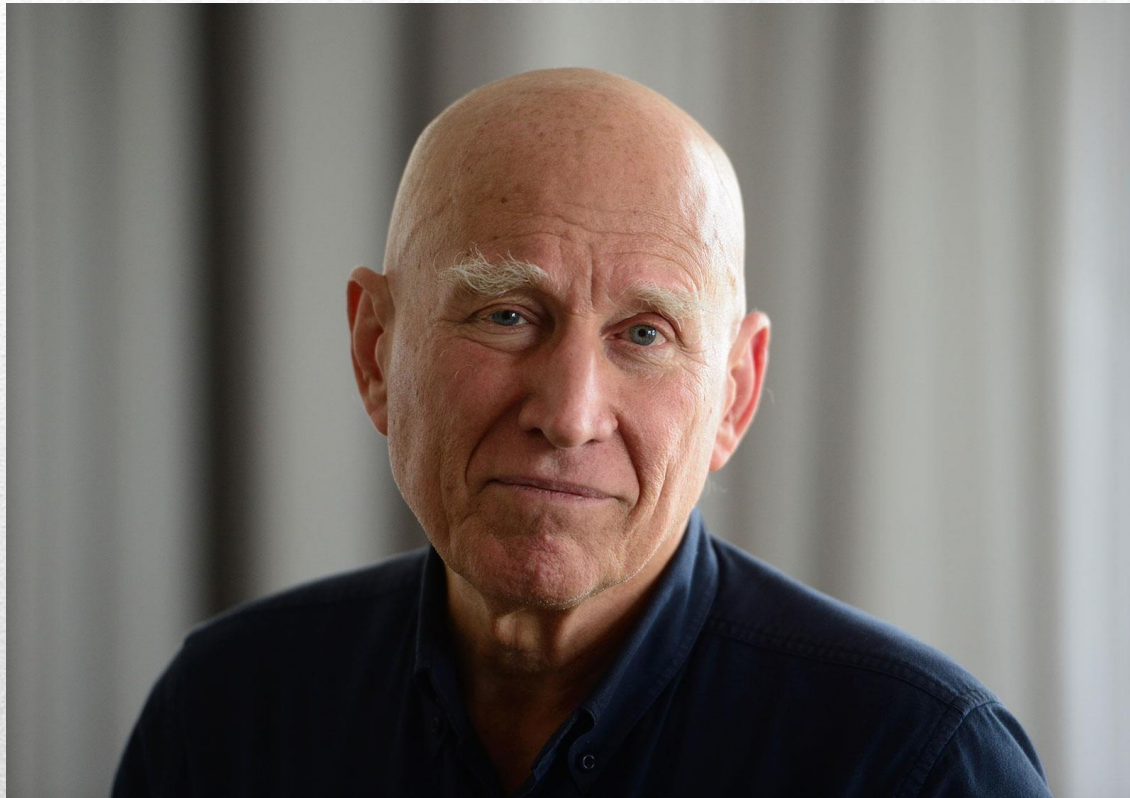
استاد : سرکار خانم الهه شمس نجف آبادی

دانشجو: زهرا شهبازی

عکاسی دانشگاه هنر اصفهان

پاییز ۹۹

در این چند دقیقه، من شما را به تفکر از طریق دیدن ، شنیدن و نوشتن دعوت میکنم!



Sebastião Salgado

در سال ۱۹۸۶ سباستینو سالگادو با عکسهای خود از معدن طلای آزاد جهان را شوکه کرد. این معدن که در ایالت پارا ، برزیل واقع شده است ، چاله بزرگی بود که بیش از ۵۰ هزار معدنکار روزانه در آن برای جستجوی طلا حفاری میکردند. عکس های کاملاً گل آلود و تحت شرایط غیر انسانی کار ، جویندگان طلای Serra Pelada در سراسر جهان گشتند.

مجموعه ای از ارزش ها و کلماتی که نه تنها جامعه غربی را منعکس می کند ، بلکه برای شرایط خاص برزیل نیز به ویژه در مورد بهره برداری از طبیعت و طبقه کارگر مثال زدنی است. وی توضیح میدهد :

هنگامی که این معدن کشف شد ، منطقه کوهستانی بود ، ارتفاعی کوچک و هنگام رسیدن من حفره ای به عمق بیش از ۲۰۰ متر بود. کل سوراخ با دست توسط مردان برداشته شده بود.

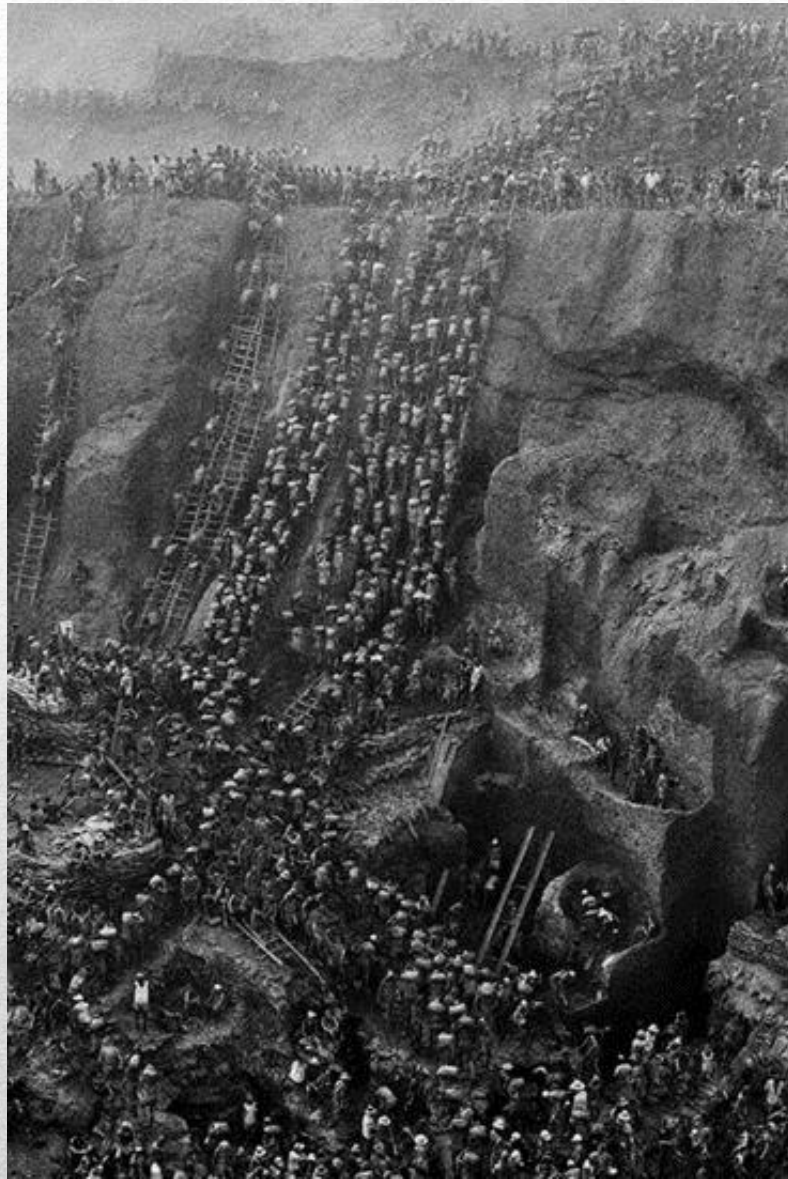
این معدن به قطعات کوچک تقسیم شد. هر قطعه یک مالک داشت ، سپس یک سرمایه دار بود که در این طرح سرمایه گذاری کرد. یک سرمایه دار می تواند دهقانی باشد که برای سرمایه گذاری در بهره برداری از نقشه همه چیز فروخته باشد. کارگران باید کیسه ها را استخراج و از پله ها بالا ببرند. تصادفات کاملاً رایج بوده و سقوط می تواند کشنده باشد. ۹۹٪ کیف ها حاوی طلا نبود.



















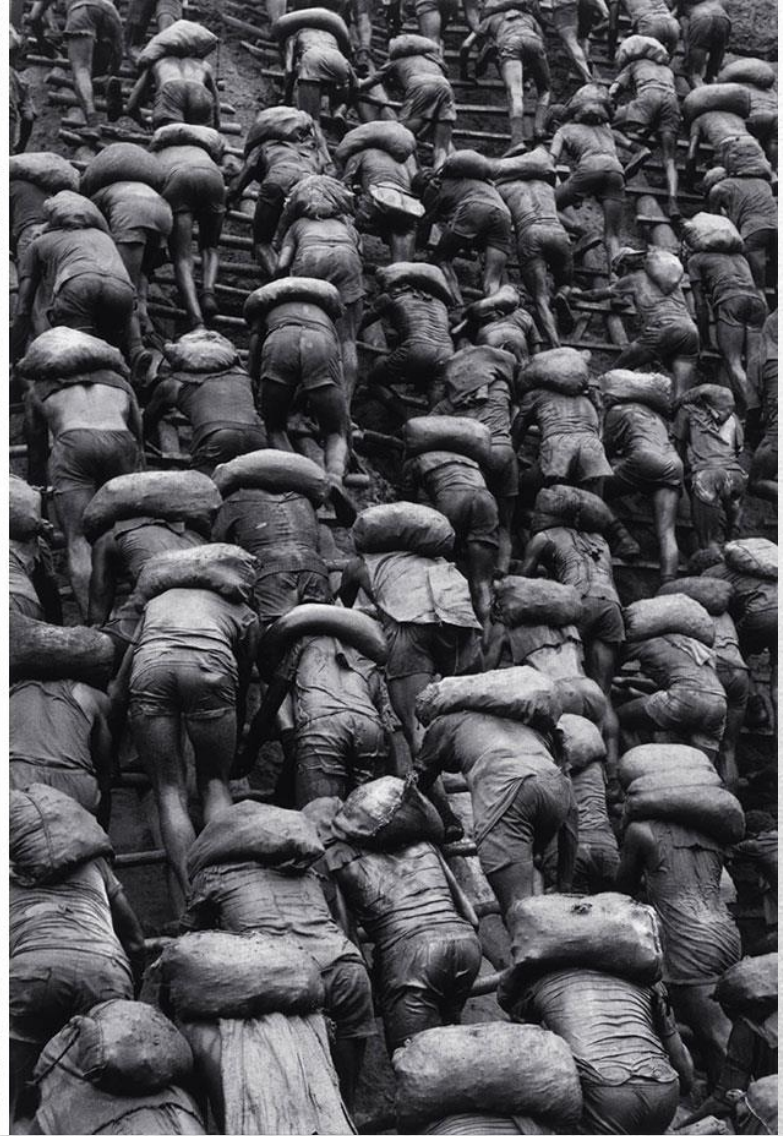










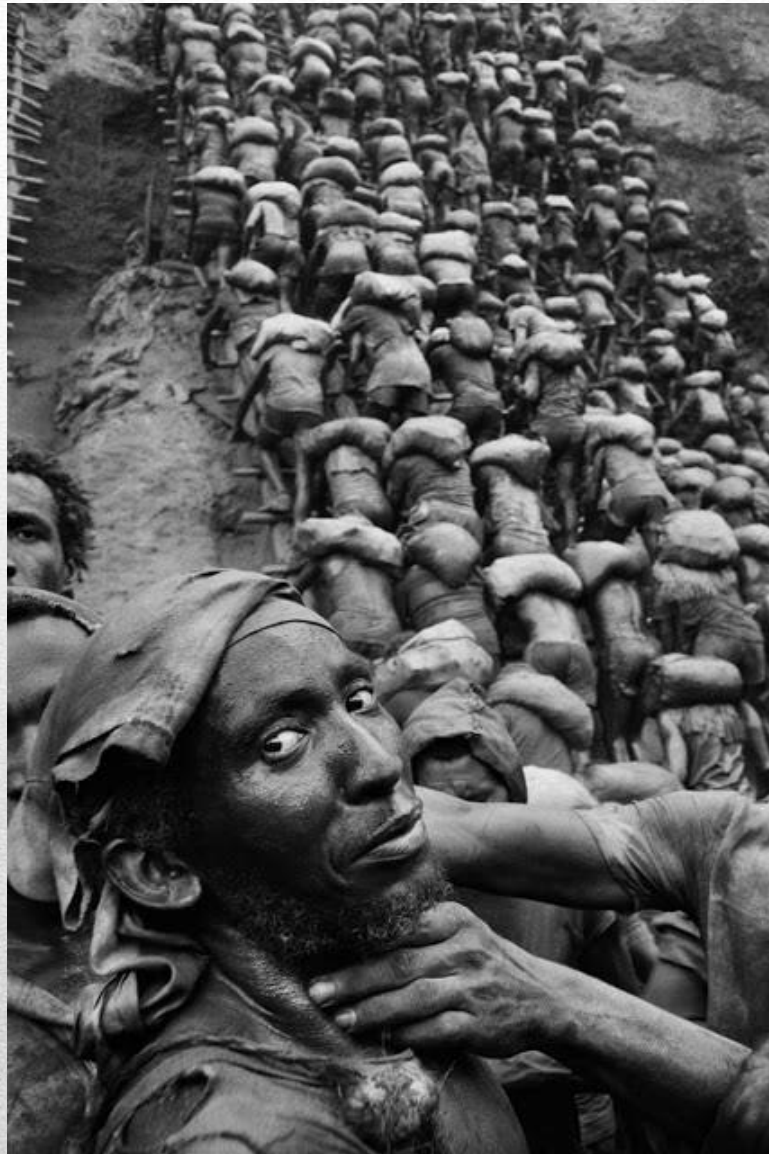
















جهنم طلایی!

آیا برای دیدن آماده هستید؟ چه میبینید؟ و آیا آنچه را که هم اکنون میبینید، باور میکنید؟ آیا اینجا همان جهنم دانه نیست؟ این حفره ی عظیم و عمیق، این تراکم و تنش، فشار! آیا میتوانید نفس بکشید؟ صدایی میشنوید؟ جز صدای زمزمه ی ده ها هزار جوینده؟! بی هیچ ماشین مکانیکی! جز زمزمه ی نفس ها و صدای خراش بیل هایی که با هدایت دست ها در حال حفر گورهای خود در جهنم هستند؟! تن های گل آلوده که به مجسمه های در عمق زمین بدل شده اند! و اما این جستجوگران در پی چه خودخواسته خود را به این جهنم رسانده اند؟! جهنمی که با دستان خود حفر کرده اند! با وعده کدامین بهشت خود را در جهنم دفن میکنند؟! گویی در حال دیدن موجوداتی هستیم که بعد انسانی خود را کنار گذاشته اند و به ماشین هایی بدل شده اند که دیگر توان اندیشه را از دست داده اند!

با کوهی از مردان از هر سنی ، رنگی ، با هر ملیتی ، از هر نقطه از این کره خاکی رو به رو هستیم که برای به دست آوردن بهشت شان ، جهنم را به جان میخرند ! ثروت ، طلا ، آیا همان بهشت موعود است ؟ همان وعده ایی که قید موجودیت را بتوان زد ؟ همه چیز را ترک کرده و به برای به دست گرفتن این خورشید طلایی بی وقفه به داخل جهنم پرید ؟ آیا زندگی دیگری در انتظارشان است ؟ هیچ کس را به زور به آنجا نمیبرند ، اما بعد از شیرجه زدن در گور، راهی جز زنده مانده برایتان نمی ماند . حتی اگر لازم باشد عمیق تر خود را دفن میکنید زیرا که رهایی جز در این نیست و ترک کردن آن غیر ممکن میشود !

عذاب های این جهنم را تایید میکنید ؟ انسان را به عنوان حیوانی که قدرت اندیشه را در تب آمالش از دست داده تایید میکنید ؟! بیش از ۵۰ هزار مرد که توسط گل و رویاهایشان مجسمه شده اند ! شرایط غیر انسانی و وحشتناک به دور از هرگونه تمدنی ! وجود انبوهی از جسدهای شناور در گل و آدمی ، این بار در عنصر آغازینش دفن می شود !

و این نمونه ایی از وضعیت بشر امروز در کره زمین است . روایتی که سالگادو به تصویر کشیده از عضلاتی فرو رفته در گل که در عین قوی بودن و ایستادگی شکننده اند ! در این دهانه توخالی عظیم با هزاران هزاران مرد که کیسه های پر از خاک را از نردبان های چوبی قابل جدا شدن حمل می کنند و از سمت روده های زمین به سمت دهانه پرتگاه خیز بر میدارند ! اگر و اگر به بالا برسند در این هجوم سخت و بی وقفه برای زنده ماندن !

ما شاهد صحنه های آخرالزمانی هستیم ، شاهد تنفس ، وحشت ، خستگی ، تنش ، ایستادن ، رنج ، خیانت ، ناامیدی ، حرص و مرگ!

نمایش استثمار بی رحمانه و استیصال انسان ، به تمسخر گرفتن ادمی به مثابه حیوانی که به استثمار گرفته شده ! و تکرار برده گی انسان .

در نهایت از این جهنم سراسر آشوب و جمعیت وهم زده چیزی خارج نشد جز سرکوب و ناامیدی ! و بهشت موعود باز هم به زمان دیگری موکول شد.

هم اکنون این جهنم به زیر آب رفته و خاموش شده و از آن فقط گودال آبی آلوده باقی مانده !
و در نهایت آسیب زدن به طرز فجیعی به اکو سیستم منطقه ، میراثی که انسان همیشه و در همه زمان ها از حضور خود در طبیعت به جا میگذارد !.

و حال آیا این صحنه و این روایت برای شما آشنا نبود؟! در جای جای کره ی خاکی و در لحظه لحظه زندگی ! فقط با کمی تامل شاهد صحنه هایی پیرامون تان خواهید بود ! دُرست در چند قدمی تان ! شاهد مرگ کودکان در اثر گرسنگی، جنگ ، کار اجباری .. ماندن در صف های طولانی ، تجمع ، هجوم قشر ضعیف جامعه حتی در ازای خرید ویروسی به نام کوید ۱۹ برای تهیه ضروری ترین مایحتاج زندگی !

و در نتیجه این نظام سرمایه داری به ایجاد نابرابری می انجامد!
و توزیع قدرت و ثروت در دست درصد کمی از جمعیت انباشته می شود! فاصله ضعیف و غنی روز به روز بیشتر و بیشتر می شود. و در ادامه شاهد تاثیرات هر آنچه بیشتر آن بر محیط زیست خواهیم بود. آلودگی ها، گرم شدن زمین، باران های اسیدی و مشکلات بسیار دیگر که منجر به آسیب های جدی به آینده کره زمین و نسل های بعد خواهد بود.
و این جنگی ست که نه تنها ۱۹۸۶ در برزیل بلکه در ۲۰۲۰ در سراسر کره خاکی در جریان است. زیرا که درد، درد است! و این تلاشی ست برای بقا در حفره ی عمیق و بی بازگشت زندگی!

زهرا شهبازی
پاییز ۹۹

- منابع
 - <https://www.elindependiente.com>
 - <https://www.artsy.net/>
-